

در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۶ قراردادی با اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس منعقد کردم تا در زمینه های سبک معماری، هنر، سنگ های قبر، شجره نامه زیارت گاه ها، قدمت تاریخی و... در این آثار پژوهش نمایم:

۱. بقاع متبرکه استان فارس (طبق فهرست آن اداره کل)؛

۲. مساجد تاریخی؛

۳. تکایا؛

۴. حسینیه ها؛

۵. اماکن مذهبی اقلیت های دینی؛

۶. مدارس علمیه؛

۷. آب انبارها؛

۸. قدم گاه های تاریخی؛

۹. زاویه های تاریخی؛

۱۰. پل های تاریخی وقفی؛

۱۱. حمام های تاریخی وقفی؛

۱۲. کاروان سراها؛

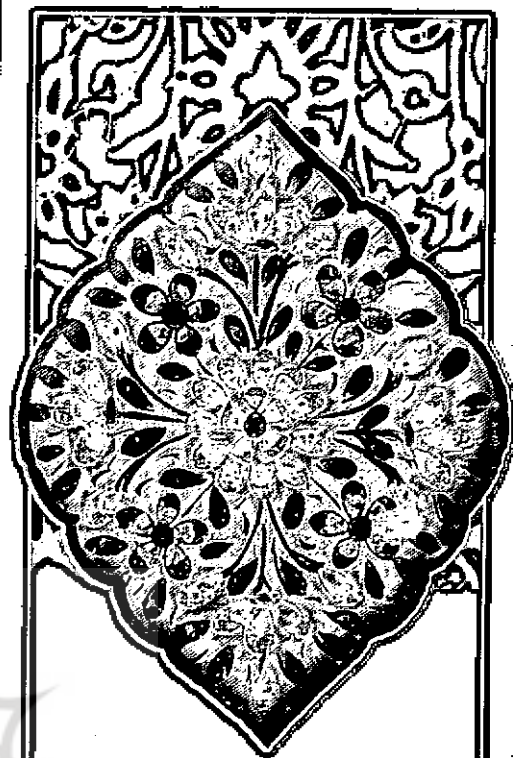
۱۳. مواردی که به نوعی به اوقاف مربوط می شود.

کاری بسیار سترگ بود. کار را با دو دانشجو به عنوان منشی و یکی از کارمندان اداره اوقاف و امور خیریه هر شهرستان آغاز کردم که سه سال به درازا کشید و تمامی آثار مزبور را در استان فارس بررسی کردم و ۴۰۹۶ قطعه عکس در اندازه ۹×۱۲ سانتی متر مربع از آن ها گرفته شد و نتیجه تمامی پژوهش ها در ۳۹۵۰ صفحه تایپ شده به قطع وزیری در ۲۷ جلد و دو لوح فشرده (CD) تقدیم آن اداره کل شد. در آن گزارش ها ۲۱۲ نقشه، ۴ شجره نامه و ۳۵ وقف نامه جدید پیوست شد.

گرچه در فهرست زیارت گاه های آن اداره کل ۹۲۵ بقعه متبرکه برای فارس ذکر شده بود، اما آمار نتایج کار ما، در تمامی استان فارس به این شرح بود:

۱۱۴۷ بقعه متبرکه و امام زاده، ۳۱ قدم گاه، ۵ زیارت گاه، ۷۳

مسجد تاریخی، ۴ حسینیه تاریخی، ۱۹ تکیه، ۷ پل، ۳۸



# گزارشی از یک کار سترگ در استان فارس

دکتر جمشید صداقت کیش

کاروان سرا، ۱ قبرستان، ۷ حمام وقفی، ۳۰ آرام‌گاه مشاهیر، ۱ چارتاقی ساسانی، ۱ اثر از پیش از اسلام، ۶ چشمه مقدس، ۱ چاه مقدس، ۱ ساعت آفتابی (تغییر سایه یک صخره کوه)، ۷۹ مدرسه علمیه، ۱ خرفخانه، ۳۱ درخت وقفی، ۱۴ درخت نظرکرده، ۱۰ آب انبار (مجموع آب انبارهای فارس حدود ۲۴۰۰ می باشد)، ۱۰ زیارت‌گاه اقلیت‌های دینی، ۲ کتیبه و ۳ اثر باستانی، ۱ چاپارخانه، ۴ تأسیسات وقفی، ۱ سد، ۵۱ زیارت‌گاه پیر، ۱ خانقاه، ۱ نظرگاه، ۱ قبله دعا، ۱ مصلی و ۲ سقاخانه.

در همین پژوهش به این چند مسأله برخوردیم:

۱. برخی از اشیای عتیقه در بقاع متبرکه وجود داشت که متولی و یا اعضای هیأت امنا اطلاعی از آن‌ها نداشتند. بلافاصله آن اشیاء را تحویل کارمند اداره اوقاف و امور خیریه آن شهرستان می‌دادم و نامه‌ای به اداره بقاع متبرکه اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس در مورد تحویل آن شیء می‌نوشتیم. از جمله آثار: شمشیر، قندیل و... و مهم‌تر از همه این موارد بود:

الف. در شهرستان خنج، زیارت‌گاه سده: دو جلد کلام‌الله مجید، دو نسخه چاپ سنگی و یک عدد تابلو؛  
ب. در شهرستان جهرم، زیارت‌گاه روستای زرجان: یک عدد زیارت‌نامه روی پوست کدو با ارزش هنری بسیار بالا، دو عدد قندیل مورخ ۱۰۵۰ ق؛

پ. در شهرستان سپیدان، زیارت‌گاه روستای شول: نسخه خطی قرآن مجید به قطع ربعی؛

ت. در شهرستان سپیدان، زیارت‌گاه روستای ابنو (Abno): نسخه خطی قرآن مجید با تاریخ تحریر ۱۱۱۸ ق؛

ث. در شهرستان سپیدان، امام‌زاده سلطان نورالدین شهر اردکان: دو تابلو و یک سرستون چوبی کتیبه‌دار از بقعه سید میراحمد؛

ج. در شهرستان مرودشت، زیارت‌گاه روستای تاج‌آباد: دو برگ زیارت‌نامه مورخ ۱۳۵۴ و ۱۳۶۷ ق.





۲. در بررسی‌ها و پژوهش‌ها به نکات منفی نیز برخورد کردم که با نامه به اداره بقاع متبرکه خواستار تصحیح آن‌ها می‌شدم؛ از جمله در شهرستان سپیدان، در بقعه سید محمد ونک یا پیرنیک، متن سنگ بقعه به این شرح بود:

«بسم تعالی

آقای سید محمد خلف فرزند سید

اسماعیل ونک که در سال ۱۲۵۰ ماه صفر روز

چهاردهم غایب گردیده است و سید نامبرده

از نسل امام زین العابدین است چون سید

نامبرده در زمان سلطنت شاه کبیر افغانها

به ایران مسلت شدند این سید محترم در وقت

آن کافران بی‌رحم در مموغایب گردید من الله توفیق»

ملاحظه می‌فرمایید که:

الف. واژه «بسم» متداول نبوده و نیست؛

ب. واژه «مسلت» غلط املائی است: مسلط؛

پ. واژه «شدند» از لحاظ دستوری غلط است و باید «شد»

نوشته می‌شد؛

ت. واژه «کبیر» را ما ابدأ برای افغان‌ها و پادشاهان آن‌ها به

کار نمی‌بریم؛

ث. تاریخ ۱۲۵۰ را که ذکر می‌کند با حمله افغان‌ها تطبیق

نمی‌کند در حالی که افغان‌ها از ۱۱۳۵ تا ۱۱۴۲ ق در ایران

مسلط بودند.

ج. واژه «غایب» در پایان متن با مفهوم کشته شدن تطبیق

نمی‌کند.

از این نظر به اداره بقاع متبرکه توصیه کردم که همه متولیان و

هیأت امنای بقاع متبرکه را برای تغییر سنگ و متن نوشتار آن ملزم

به نظر آن اداره کنند. البته این سنگ بلافاصله تغییر کرد.

۳. در قرارداد بین اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس و من،

بحثی از تأسیسات فرق ضالّه در فارس نشده بود اما در عمل برای

آرشیو آن اداره کل، شش زیارت‌گاه فرق ضالّه را بررسی و نتیجه

کار را به آن اداره کل ارائه کردم.